

اداره مالی سازمان تنسی والی

از آنجا که بهره برداری تنسی موضوع برنامه و نقشه ملی است که کنگره امر با مسئولیت آنرا بر عهده گرفته ناچار دولت باید نسبت بامور مالی آن ذی نظر باشد نهایت اینکه باید دید چگونه میتوان قواعد خشک و بیروح بودجه‌ای را با نرمش یک دستگاه مستقل وفق داد؟ حقیقت اینست که اداره مالی T. V. A موضوعی درهم و پیچیده میباشد. قسمت عمده کار عبارت از بکار بردن سرمایه‌هایی برای سدسازی، ساختمان مرکزهای برق و تهیه وسائل مالی برای شهرداریها و دستگاههای تعاونی بمنظور تأمین عمل پخش میباشد. از طرفی دیگر سازمان تنسی والی وظیفه‌دار بود که بعنوان کارهای فرعی عملیاتی از قبیل زهکشی و آبیاری و نشاندن درختها (۱) و ایجاد شبکه‌های نقل نیرو و غیره را عهده‌دار شود که قاعده از طریق درآمدهای بودجه باید هزینه آنها تأمین گردد.

در مقابل وظایف دوگانه T. V. A کنگره رویه مختلطی اختیار کرد ازینقرار که قسمت عمده نیازمندیهای مالی دستگاه از محل‌های بودجه و بقیه آن از راه صدور برگ‌های وام (۲) تأمین میشود که حدود آنرا دولت مرکزی مشخص مینماید.

قانون T. V. A بالفعل قانون نقشه و برنامه است. کنگره تعهد نموده تازمانی که سازمان از نظر مالی استقلال نیافته سرمایه‌های لازم برای اجرای وظایف آن در اختیارش گذارد. بودجه سالانه عبارت از اعتبار پرداخت از روی مجموع امتیاز تعهد شده میباشد که بر اساس هزینه‌های سالانه بتصویب میرسد. اعتبارات باز شده کاملاً با اعتبارات عادی بودجه فرق دارد. در بودجه عادی اعتبارات از طرف کنگره در فصل‌های گوناگون بنا بر اصل تخصیص (۱)

۱- معمول اینست که در این مورد «غرس اشجار» بکار برند و گویی بیم آن دارند که در مورد هائی نیز که واژه فارسی ساده و آشنا بگوش دردسترس باشد هر گاه کلمه یا عبارت غیر فارسی بکار نرود از قدر و اهمیت گوینده یا نویسنده کاسته شود و در این مورد بخصوص اگر بجای کاشتن یا نشاندن درخت غرس اشجار استعمال نشود حیثاً نهالها خشک شده و بشویند.

2- Obligations.

3- Spécialité budgétaire.

تقسیم میشود در حالی که اعتبارات اعطائی به T. V. A. باصطلاح چهار دیواری یا درست (۱) میباشد و سازمان هر نوع بخواهد میتواند آنرا برای کارهایی که در دست است تخصیص دهد. بنابراین کنگره در این مورد ب T. V. A. از اصل تفصیل و تخصیص صرف نظر کرده است. علاوه بر این هر وقت سازمان اعتباری بخواهد هزینه‌های موضوع آن اعتبار را جزء بجزء تعیین نموده و بتصویب کنگره میرساند. با اینحال در طی مدت سال میتواند اعتباریک فصل بودجه را بفصل دیگر انتقال دهد. تا تاریخ اول ژوئیه ۱۹۴۲ بودجه اعطائی به T. V. A. از طرف کنگره به ۶۵۷/۹ میلیون دلار بالغ گردیده است.

بموجب ماده ۱۵ اساسنامه سازمان برای اداره مالی امور مخصوص خود حق دارد تا میزان پنجاه میلیون دلار اوراق وام که مدت آن ۵۰ سال و نرخ بهره آن ۳/۵٪ است صادر کند. بعد ها حد مزبور بالا رفته لیکن وام جدید در هر دفعه باید با تصویب کنگره باشد.

از سال ۱۹۳۸ حساب تصدی (۲) سازمان سود نشان داده است و برخلاف سایر دستگاههای دولتی که باید سود حاصل از بهره برداری خود را بخزانة دولت تحویل دهند سازمان تنسی والی T. V. A. بنا بر اساسنامه خود اختیارات وسیعی از نظر مالی دارد. خزانة داری ایالتهای متحد فقط مبلغ اضافه ویژه را میتواند مطالبه کند و آن عبارت از مبلغی است که پس از استهلاك و وضع مبالغی که از طرف شورای اداری برای اعتبارات جدید در نظر گرفته شده باقی میماند.

امور مالی T. V. A. تحت نظارت پارلمان میباشد و معاملات آن با موافقت ناظر کل ایالتهای متحد (۳) و محاسبات آن طبق اصول مقرر از طرف کمیسیون دولت فدرال (۴) رسیدگی میشود. برخلاف روش شوروی برنامه امریکا فقط از طریق هزینه در بودجه منعکس میشود.

در حدود نقشه یا برنامه چند ساله کنگره هر سال اعتباری به T. V. A. اعطاء

- 1- Lump sum method
- 2- gestion
- 3- U. S. Comptroller General
- 4- Federal Power Commission

میکنند ولی برای تأیید استقلال مالی سازمان از بهره سرمایه مزبور بعنوان درآمد بوده صرف نظر مینماید. منافع حاصل بتدریج رویهم جمع شده بصورت سرمایه در میآید و استقلال مالی سازمان را تأمین میکند.

۴. اعمال طریقه امریکائی اعتبارات مستمر برای يك کار بخصوصی

اداره مالی بودجه T. V. A مبتنی بر طریقه عمل اعتبارات مستمر است که در امریکا معمول و در رشته مخصوصی بکار رفته است (۱) در انگلستان تمديد بودجه های اعطائی بر اساس تجربی (۲) است که از عمل وام داخلی در آن کشور بدست آمده (۳) و در بودجه عنوان هزینه های عادی را دارد در صورتیکه در ایالت های متحد امریکا اعتبارات چند ساله را موضوعی ابتکاری باید دانست که بالاخص در مورد هزینه های فوق العاده بکار میرود.

اعتبارات باز شده از طرف کنگره امریکا برای خدمات عمومی که باید در دوره ای طولانی بودجه خود را بمصرف رسانند در يك نوبت وبدون محدود ساختن مدت بتصویب میرسد. بنابراین موضوع عبارت از اعتبارات مستمر است که تا وصول به هدف در اختیار دسترس میمانند؛ باین طریق هنگام تصویب بودجه های بعدی صحت اعتبارات مزبور مورد بحث کنگره قرار نمیگیرد. عبارت دیگر هزینه های مربوط باعتبار مستمر بدون حد مدت ممکن است صورت گیرد و دولت قادر بدادن سفارشات عمده و حجیم میشود که در مدت چند سال تحقق پذیر تواند بود.

در نتیجه بکار بستن این طریقه استمرار در تولید تأمین میگردد و دنباله سفارشات

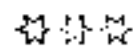
۱- مطالب مربوط به سیستم برنامه وقتی بخوبی مفهوم میگردد که خواننده راجع بعلم مالیه بخصوص مبحث بودجه سابقه ذهنی داشته باشد و در اینجا مجال آن نیست که ما از موضوع منحرف شده و در خصوص قضایای مربوط ببودجه و فن مالیه توضیحاتی بیان نمائیم.

۲- منظور از طریقه تجربی در اینجا آنچیز است که در علم منطق آنرا بفرانسه Empirisme خوانند و عبارت از پیروی از تجربه بدون توسل باستدلالات و قضایای علمی میباشد.

۳- وام داخلی انگلستان موسوم است به Consolidated funds که تضمین آن متکی باعتبار دولت لیکن میزان بهره آن بالنسبه اندک میباشد.

را که قبلاً داده شده میتوانند بگیرند. پرداختها و بطور کلی امور مالی از طرف دستگاههای دولتی مانند T. V. A. اداره میشود که از استقلال مالی بهره‌مند میباشند.

از شرح بالا بخوبی استنباط میشود که در نتیجه بکار بستن رویه‌مزبور که انعطاف پذیر و دارای نرمش میباشد ایالت‌های متحد آمریکا در مدتی فوق‌العاده کوتاه موفق شده‌اند مجاهدت عظیم خود را برای تسلیحات پیش از جنگ جهانی دوم بعمل آورده و نائل پیروزی درخشان گردند.



فصل سوم

احیای اقتصادی فرانسه پس از جنگ جهانی دوم

واندگاس آن در بودجه آن کشور

برای احیای امور اقتصادی (۱) در پایان هر جنگ سرمایه های هنگفت ضروری است که باید در چند سال بتدریج پرداخته شود و چاره ای نیست جز آنکه مبالغهای مهمی از درآمد ملی برداشت شود. ساختمانها و ابنیه که در اثنای زد و خوردها منهدم میگردد باید از نو ساخته شود و برنامه ای که برای تجدید ساختمان آنها تنظیم میشود بالضرورة با پرداخت وجوه عمده ملازمت دارد.

۱- بر آورد خسارت های جنگ

در مدت جنگ و اشتغال فرانسه سرمایه آن کشور از چهار طریق دستخوش انهدام گردیده است از اینقرار:

- ۱- خرابیهای مادی وارد بر اموال منقول و غیر منقول.
- ۲- برداشتهایی که آلمانها از نقدینه کرده اند.
- ۳- فرسودگی بیش از اندازه آلات و افزار و ماشینها.
- ۴- پایان یافتن ذخائر.

اسنادی که در نخستین جلسه برنامه احیای اقتصادی (۲) ارائه شده مقدار سرمایه

۱- منظور از احیای امور اقتصادی ترمیم خرابیها در تمام شئون اقتصادی کشور است که شامل خرابیهای وارد بر کشاورزی - معادن - کارخانه ها - آلات و ادوات تولید از هر قبیل بوده و تجدید ابنیه و ساختمانهای منهدم شده در اثر جنگ نیز یکی از موارد آن میباشد و کلمه Reconstruction که در فرانسه در ایش مورد بکار میرود نباید بمعنای تحت لفظی در نظر گرفته شود بلکه مراد معنی عام و کلی آنست و ما آنرا با احیای اقتصادی تعبیر نمودیم که مناسبترین تعبیر بنظر میرسد.

۲- در تاریخ ۱۶-۱۹- مارس ۱۹۴۶

از دست رفته را در فرانسه به ۹۹۰ میلیارد فرانک ۱۹۳۸ (تقریبی برای آنکه بعدد صحیح کشته شود) بر آورد مینماید ازینقرار:

خرابیهای مادی :	به میلیارد فرانک ۱۹۳۸
کشاورزی	۴۳ میلیارد
صنعت و بازرگانی	۴۳/۸ «
حمل و نقل	۶۸/۶ «
لوازم جنگ	۱۶/۶ «
غیر منقول	۱۸۴/۲ «
اثاثه	۸۲/۴ «
خرابی معادن	۲۹/۷ «
برداشت آلمانها از روی سرمایه	۴۶۹/۳ «
بعلت عدم حفاظت و تجدید سرمایه	۲۹۹/۲
باتمام رسیدن ذخائر	۱۶۰
	۶۰

۲- احیای اقتصادی

فهرست بالا بر آورد خسارات را نشان میدهد لیکن تعیین مقدار سرمایه‌هایی که باید بکار انداخته شود تا میزان تولید در فرانسه بمیزان قبل از جنگ برسد کاری مشکل و پیچیده میباشد. بنظر شورای برنامه ۵۰۰ میلیارد فرانک ۱۹۳۸ لازم بود تا ظرفیت تولید در آن دوره دوباره برقرار گردیده و بناها و ساختمانها ترمیم یافته و ذخایر دوباره تشکیل یابد.

مجاهدات مالی برای احیای اقتصادی

اسباب و ادوات تولید :	به میلیارد فرانک ۱۹۳۸
کشاورزی	۴۱
صنعت و بازرگانی	۵۲
حمل و نقل و مواصلات	۱۴۱
نگاهداری و حفاظت معوقه	۵۴
	۲۸۹

۸۰	تجدید ذخائر
	ترمیم منقول و غیر منقول (۰/۸۰ خسارت) :
۱۶۴	غیر منقول خصوصی
۹۳	منقول (۰/۴۰ خسارت)
۱۹	خرابی معادن
۵۴	نگاهداری و حفاظت معوقه (۱)
۲۳۰	
۶۹۹	

۳- منابع مالی

حال باید دید چگونه کشور فرانسه میتواند این ۷۰۰ میلیارد فرانک قبل از جنگ را فراهم آورد برای آنکه ظرفیت تولید خود را دوباره تشکیل داده و سطح زندگی را بمیزان ۱۹۳۸ برساند در حالی که آن سال در دوره تنزل و حد کار کرد از اندازه عادی پایین تر بوده است. در آن هنگام بحث موضوع بیشتر از این جهت مشکل و بلا جواب میماند که تنزل پول امری دائمی و مستمر گردیده و هر گونه تخمین و برآوردی را غیر ممکن میساخت. فرض مسأله این بود که اگر برنامه را میخواستند در مدت ده سال اجرا کنند و عبارت دیگر برنامه ده ساله ترتیب دهند آیا ممکن بود سالی ۱۰ میلیارد فرانک ۱۹۳۸ برای اجرای عملیات از روی درآمد برداشت نمایند؟

در سال ۱۹۳۸ درآمد ملی که معیار آن ارزش تولید میباشد به ۴۳۰ میلیارد برآورد شده است. رقم مصرف از روی آمار به ۳۶۰ میلیارد بالغ گردیده است بقراردیل :

به میلیارد فرانک ۱۹۳۸

رقم کار کرد بازرگانی خواربار و مصرف مستقیم کشاورزان ۱۶۰

۱- منظور هزینه نگاهداری و حفاظتی است که در موقع خود بعمل نیامده و بتعویق افتاده است و تعویق امر نگاهداری و حفاظت موجب آنستکه شئی موضوع حفاظت با نگاهداری آسیب و خرابی بیشتری دیده و بنا بر این بطور مسلم مبلغ هزینه نگاهداری و حفاظت معوقه خیلی بیشتر از مبلغ هزینه ایست که در موقع خود بعمل میآید.

رشته‌های دیگر بازار گانی

۱۰۰

خدمت

۶۰

آذوقه - هزینه حمل و نقل - مصرف دولت

۲۰

خدمت کارمندان دولت

۲۰

۳۶۰

اختلاف ارزش تولید و ارزش مصرف نماینده رقم عمل کرد رشته‌های تولید برای

تجهیز برابر با ۷۰ میلیارد و اجزاء آن از این قرار است :

۱۰ میلیارد

تسلیحات

۴۰

تجهیزات تولیدی

۲۰

ساختمان

۷۰ میلیارد

سهم نگاهداری سرمایه قدیمی در این مجموع ۵۰ میلیارد است در نتیجه از درآمد ملی (بمعنای ارزش تولید ناویژه) برای تشکیل سرمایه تازه فقط ۲۰ میلیارد فرانک آزاد گذارده شده است (فرانک قبل از جنگ) که ده میلیارد آن برای تسلیحات میباشد.

۴- احیای اقتصادی و حدود امکان آن

مجاهدت مالی برای تجدید تجهیزات فرانسه باید بر حسب فرانک روز (سال ۱۹۴۶) باشد حال باید دید چگونه میتوان ارز ۱۹۳۸ را نسبت بارز ۱۹۴۶ و سالهای بعد از آن سنجش نمود؛ هر گاه قیمت جزئی فروشی را که بسیار غیر ثابت است مبنا قرار دهیم باید ۸ فرانک ۱۹۴۶ را برای خرید چیزی داد که همان چیز را قبل از جنگ بیک فرانک میخریدند و چون از آن تاریخ بعد هم تنزل فرانک ادامه مییافت ضریب را ده قرار میدهیم تا بطور موقت بتوان مقادیر را با هم تطبیق نمود.

هر گاه سطح تولید کشور فرانسه بسطح تولید در ۱۹۳۸ میرسید در آمد قابل استفاده برای تشکیل سرمایه جدید به ۲۰۰ میلیارد فرانک ۱۹۴۶ بالغ میگردد. در عمل میزان تولید ۱۹۴۶ به ۸۰٪ تولید حداکثر میرسید. این وضع از حساب موقت درآمد ملی (ارزش تولید ناویژه) در ۱۹۴۶ نتیجه میشود و میتوان آنرا بین ۱۸۰۰ و ۲۰۰۰ میلیارد فرانک روز

(۱۹۴۶) دانست .

در ۱۹۲۸ تجهیزات واقعی (تسلیمات و تدارکات) (۱) که به ۲۰ میلیارد بالغ میشد نسبت ۰.۵٪ ارزش تولید (۴۲۰ میلیارد) بود هر گاه همین درصد را نسبت بدرآمد ملی در ۱۹۴۶ اعمال کنیم (۲۰۰۰ میلیارد) برقم ۱۰۰ میلیارد فقط منتهی میشود .

در نتیجه این حسابهای تقریبی برای اینکه معادل ۷۰ میلیارد قبل از جنگ بکار افتد باید ۷۰۰ میلیارد فرانک آنوقت را در نظر گرفت و این در صورتی است که تنزل فرانک در سال ۱۹۴۷ متوقف میگردد (سال مورد بحث چنانکه سابقاً هم گذشت سال ۱۹۴۶ میباشد و ما برای روشن بودن مطلب این سال را اختیار کردیم که بلافاصله بعد از جنگ بوده و تا یکسال بعد از آن تنزل فرانک بده برابر نسبت بقبل از جنگ میرسید) .

حال هر گاه بر نامه دهساله ای در نظر گیریم مجاهدت مالی بسالی ۷۰۰ میلیارد بالغ میگردد که هفت برابر رقم موقتی است که از اعمال درصد قبل از جنگ نسبت بدرآمد ملی نتیجه میگردد .

در آنموقع بدیهی است حل مسأله برای کشور فرانسه از دوراه ممکن بود یکی تقلیل سهم مصرف در استعمال درآمد ملی نسبت بمیزان پس انداز و مبلغ بکار افتاده (۲) دیگر افزایش تولید بالاتر از سطح تولید ۱۹۲۸ (۳) .

شورای برنامه در فرانسه چنین نظر میدهد که مبالغ پرداختنی سالانه برای تجدید ساختمان را بمقدار کافی از شکم درآمد ملی نمیتوان بیرون کشید مگر آنکه سطح تولید را بمیزان ۱۹۲۹ رسانید . در آنسال توزیع محصول ناویژه چگونه بود ؟

1 - Secteur civil

۲ - Investissement و منظور از آن بکار انداختن سرمایه است توضیح آنکه مبالغی را که بیش و کم افراد از اضافه درآمد خود نسبت بهزینه پس انداز مینمایند پس از مدتی ممکن است بمیزان قابل توجهی رسیده و صورت سرمایه پیدا کند بقسمی که در کارهای گوناگون بتوان آنرا بکار انداخت . غالباً سرمایه هائی در حال انتظار و متعلق باشخصان موجود است و صاحبان آن در صدد هستند که بمناسبتترین و با صرفه ترین وجهی سرمایه خود را بکار اندازند .

۳ - در ۱۹۴۶ درآمد ملی حداکثر ۲۰۰۰ میلیارد و پس انداز قابل استفاده ۱۰٪ آن یعنی ۲۰۰ میلیارد برای تجدید ساختمان میماند . اینهم در صورتی است که برای پوشاندن وجوه کسر بودجه دولت آنرا مطالبه ننمایند .

میلیار فرانك ۱۹۲۸

۴۸۵

تولید ناویژه در سال ۱۹۲۹

چگونگی بکار بردن این تولید :

۲۹۰

مصرف

۵۵

حفظ سرمایه سابق (یا اصلی)

۴۰

تشکیل سرمایه جدید

۴۸۵

در سال ۱۹۲۹ که بطور استثنائی سال رفاهیت و ترقی اقتصادی بود ۲۰٪ در آمد ملی برای نگاهداری و تشکیل سرمایه جدید بکار رفته و میزان آن ۹۵۰ میلیارد فرانك ۱۹۲۸ بوده است .

برای آنکه معادل سال مورد قیاس (۱۹۴۶) یعنی ۹۵۰ میلیارد دست آید لازم می آید که در آمد ملی به ۴۷۵۰ میلیارد فرانك همانوقت (۱۹۴۶) یعنی بدو برابر در آمد واقعی آنسال برسد .

بالفعل هر گاه هزینه سالانه تجدید ساختمان را به ۷۰۰ میلیارد فرانك آنوقت (۱۹۴۶) برگردانیم (که در ۱۰ سال ۷۰۰۰ میلیارد میشود) لازمه اش میزان تولیدی است که کمی کمتر از ۱۹۲۹ باشد و اینهم در صورتی است که نسبت بین مصرف و آنچه که بکار انداخته میشود همان نسبت باشد . در هیچ صورتی کشور فرانسه نمیتواند سالانه مبالغی کنار گذارد که کافی برای اتمام برنامه اش در ده سال باشد مگر آنکه از خارج و بالاخص ایالتهای متحد آمریکا از جهت تدارکات در این عمل شرکت شود و تا وقتی که موازنه پرداختها برقرار نشده از طریق اعطای اعتبارات خارجی منظور تأمین گردد .

• برنامه چهار ساله برای احیای اقتصادی و اداره مالی آن

بودجه اولیه ۱۹۴۶ فرانسه علاوه بر هزینه های عادی که از طریق مالیاتها اصولاً پوشیده میشود هزینه های فوق العاده ای بمیزان ۴۱/۷ میلیارد برای هزینه فوق العاده و تجدید ساختمان پیش بینی مینماید که در اختیار وزارتخانه های مختلف گذارده شود . تا وقتی که يك بودجه فوق العاده برای تجدید تجهیزات کشور برقرار شود اداره مالی اینکار بطور موقت از طرف خزانه داری توسط اعتبارات کوتاه مدت و نیز سایر منابع

خزانه‌داری تأمین می‌گردد. اما اداره امور مالی تجدید ساختمان غیر نظامی قسمتی از آن از طرف آسیب دیدگان و قسمتی دیگر با مساعدت دولت (خزانه داری و اعتبار ملی) پیش‌بینی گردید.

در ۱۹۴۶ خزانه‌داری از طریق مالی شروع با اجرای برنامه تجدید ساختمان کرد وزیر دارائی فرانسه تحمیلی که از این جهت پیدا می‌شد به ۱۲۲ میلیارد تخمین زده است. در پایان سال يك نقشه چهار ساله تجدید تجهیزات برای اداره مالی مرتب تجدید ساختمان چنانکه فرانسویها در عمل نشان دادند ترسیم گردید.

مجموع مبالغی که در سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۰ بعنوان سرمایه بکار افتاده به ۲۲۵۰ میلیارد تخمین زده می‌شود که بطور متوسط ۵۶۲/۵ میلیارد در سال می‌گردد و این رقم تقریباً با میزان سالانه فرضی که در بالا محاسبه شد تطبیق مینماید. بنظر دولت نصف هزینه‌های اقتصادی از طرف دولت و نصف دیگر از طریق پس اندازهای مردم تأمین می‌شود. باین طریق بودجه کشور در مدت ۴ سال باید جمعاً ۱/۱۲۵ میلیارد برای تجدید ساختمان، نگاهداری معوقه سرمایه بعلت جنگ، تبدیل آلات و افزار کار بانواع جدید و غیره صرف نماید و با افزایش تدریجی در آمد ملی مصارف و هزینه‌های مزبور ترقی یابد.

برای آنکه برنامه در چند سال اجرا شود دولت يك بودجه فوق العاده برای چهار سال از ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ با اعتباری بمیزان ۱۱۲۵ میلیارد فرانک پیش‌بینی نمود بعبارت دیگر موضوع تعهد اعتبار است که مجموعاً یکجا و دفعتاً واحده از طرف پارلمان بتصویب میرسد سپس بنا بر طبقه اعتبارات پرداخت مجلس ملی هر سال موقع تصویب بودجه میزانی را تعیین نموده در اختیار وزیر دارائی برای آن سال میگذارد.

در دومین جلسه شورای برنامه (در نوامبر ۱۹۴۶) چنین پیش‌بینی شد که تأمین هزینه‌های تجهیز و احیای اقتصادی در بودجه ۱۹۴۷ باین طریق خواهد بود که مبلغ ۲۲۰ میلیارد آن از طریق بودجه و ۲۴۰ میلیارد دیگر از منبع پس اندازهای خصوصی (مردم) باشد. بودجه موقتی ۱۹۴۷ اعتبارات ذیل را پیش‌بینی کرد:

- ۱- اعتبار برنامه برای تجدید ساختمان عمومی از این قرار: ۲۸ میلیارد بعنوان سرویسهای غیر نظامی که ۱۴ میلیارد آن اعتبار پرداخت است.
- ۲- اجازه تعهد برای سهمیه ۱۹۴۷ بعنوان تجدید ساختمان خصوصی که از طرف

خزانه‌داری و مؤسسه اعتبار ملی (۱) کارسازی میشود ۷۸ میلیارد که ۲۲ میلیارد آن اعتبار پرداخت است.

از شرح بالا معلوم میشود که روش امریکائیها راجع با اعتبارات مستمر در رویه مالی فرانسه وارد شده و روی بودجه سالانه پیوندی از بودجه چند ساله زده شده است. در سال ۱۹۲۶ بود که قانون مالی اجازه تعهد هزینه را تصویب کرده اجازه داده است که قراردادهائی منعقد نمایند که اجرای آن در دوره‌های بعد واقع شود بعد از آن این برنامه در سال ۱۹۳۰ بتصویب رسیده که طریقه عمل را از نظر مالی برای هزینه‌هایی که در چند دوره مالی یا بودجه‌ای باید انجام گیرد معین نموده است.

قانون برنامه برای اجرای تعهدات سنگین

وقتی دولت کارهائی روی غیر منقول در دست دارد میتواند مجموع هزینه برنامه را از ابتدای امر تعهد نماید با این طریقه بموجب قانون باید مبالغ پرداختی سالانه مربوط را در بودجه سالهائی که اجرای برنامه ضمن آن واقع میشود قلمداد کنند.

بنابر قانون ۱۲ ژانویه ۱۹۳۰ راجع با استحکامات مرزهای شمال شرقی وزیر جنگ فرانسه اجازه تعهد برای چهار سال جهت ۳۳۰۰ میلیون هزینه صادر نموده که مبالغ یک میلیارد آن بر عهده بودجه ۱۹۳۰ گذارده شده است. مبالغ سالانه بعد هم در بودجه‌های آتی تعیین میگردد. مثال دیگری راجع با تعهدات سنگین در قانون ۱۸ آوریل ۱۹۳۶ ملاحظه میشود که اعتباری بمبلغ ۲۰ میلیارد برای کارهای بزرگ باز کرده است.

(نقشه مار که (۲) جزء این برنامه شده است).

قانون برنامه با تعهدات تدریجی

در این رژیم قانونگذار مبلغ هزینه‌هایی که میتوان تعهد نمود تعیین میکند که در طول مدت چند سال متوالی پرداخت شود چند مثال از این مورد را در ذیل ذکر مینمائیم:

۱- رژیم اقساطی در یاداری - کنفرانس واشنگتن در ۱۹۲۲ مقدار ۶۲۰۰۰۰ تن

برای بحریه فرانسه سهمیه معین کرده بود بلافاصله برنامه‌ای تهیه کردند که اجرای آن در چند دوره مالی بطول میانجامید و آنرا بقسمتهای ۳ ساله تقسیم نمودند تا بتصویب پارلمان رسانند. پرداختهای سالانه را در بودجه هر سال بقلم می‌آوردند - طریقه نقل از

1- Crédit national.

2- Plan Marquet.

سالی بسالی دیگر و درخواست اعتبارات قبل از موعد (یا پیش درخواست اعتبارات) موجب آن میگردید که مبالغ سهمیه های سالانه بر روی یکدیگر لغزش داشته و قابل انعطاف باشد

۲- **کارهای مربوط به دفاع ملی** - بنابر قانون ۶ ژوئیه ۱۹۴۴ وزیر جنگ اجازه

حاصل کرد مبلغ ۳۱۲۰ میلیون تعهد نماید که ۱۲۷۵ میلیون از آن در دو سال عمل شود. طبق قانون مزبور (قانون بر نامه) بنا بود در سه سال بتدریج سهمیه ها پرداخت شود.

۳- در ۱۹۳۶ يك محل مالی برای تسلیحات و تهیه آلات و افزار و پیش پرداخت کارها ایجاد کردند که اصل سالانه بودن بودجه فوق العاده در آن ملاحظه میشود. محل مزبور که منبع آن با اتصاله وام است هر چند وسیله اداره مالی يك بر نامه چند ساله است لیکن بیشتر جنبه يك بودجه فوق العاده را دارد.

قانون دیگری در همان سال (قانون ۱۸ اوت ۱۹۳۶) ترتیبی را برقرار نمود (۱) که بالفعل مشابه با قانون بر نامه با تعهدات تدریجی میباشد از این قرار که در ۷ سپتامبر ۱۹۳۶ هیئت وزیران فرانسه برای آنکه بتجدید تسلیحات آلمان پاسخی داده باشد بر نامه ای بمیزان ۱۴ میلیارد تصویب کرد که مدت اجرای آن چهار سال تعیین شده بود این نقشه حاوی چهار فقره پرداخت سالانه بود که قابل تغییر و در هر سال تا ۳۰٪ نسبت بمیزان سالانه متوسط ممکن بود تغییر یابد. با وجود آنکه وزیر دارائی در اصل مخالف با آن بود بر نامه بموقع اجرا گذارده شد و طوری عمل کردند مانند آنکه يك قانون بر نامه با تعهدات تدریجی در دست وزیر جنگ باشد.

قوانین بر نامه در فرانسه در حکم قدم بزرگی است بسوی يك بودجه مالی که در آن يك نقشه اقتصادی چند ساله ملحوظ شده باشد. نقطه ضعف این قوانین آنستکه اعتبارات پرداختی که در بر نامه ها پیش بینی شده ممکن است از طرف پارلمان از نومورد بحث و

۲- ترتیب مزبور را در اصطلاح مالی *Investissement en capital* خوانند یعنی اینکه وجوه و اعتبارات تخصیصی حالت و صورت سرمایه پیدا کند. میتوان بخوبی توجه داشت که مصارف و هزینه های دولت بطور کلی چیزهایی است که اثری از آن باقی نماند مانند هزینه های پرسنلی یا هزینه های مربوط بامور جاری در صورتیکه در ترتیب مالی مورد بحث هزینه بمصرف کارهایی میرسد که با جنبه تولیدی داشته و یا بصورت دارائی و ثروت ملی در میآید و نوعی سرمایه عمومی محسوب میگردد مانند آنکه از محل اعتبارات مربوط باین طریق صرف جاده سازی یا ساختن استحکامات یا فرود گاه و نظایر آن شود.

گفتگو قرار گیرد. در واقع قانون بودجه سالانه ممکن است آنچه را که قانون برنامه برای مدتی بیشتر در نظر گرفته بر هم زند. ولی در هر صورت کلیه قوانین برنامه و حسابهای مخصوص در ۱۹۳۵ عملاً لغو گردیده و اصل کهنه سالانه بودن بودجه را خواسته اند همچنان حفظ نمایند. در سال ۱۹۳۹ است که قدم اصلی برخلاف این عقیده برداشته شده است.

اعتبارات برنامه

تصویبنامه قانونی ۲۲ آوریل ۱۹۲۹ بین بودجه تعهدی و بودجه صندوق قائل بتشخیص گردیده بودجه تعهدی شامل چند دوره است در صورتیکه بودجه صندوق سالانه میباشد. در هر سال وسائل پرداخت چنانکه قانون برنامه پیش بینی مینماید باید در بودجه مندرج گردد. لیکن برای تصویب آن در پارلمان فرانسویان آرزو میکنند که تحویلی در عادات و اخلاق سیاسی آنها پدید آید باین معنی که امتناع پارلمان (برخلاف میل دولت) از درج اعتبار مربوط بیک از سالهای برنامه در بودجه یا تقلیل اعتبار مزبور عنوان عدم-اعتماد بدولت را پیدا کرده وبالضروه موجب استعفای هیئت دولت میگردد.

در برنامه اقتصادی باید طوری پیش بینی بعمل آید که منابع تصویب شده در چهار دیواری يك قانون برنامه خود بخود و بطور خود کار بتواند با تغییرات قیمتها تغییر یافته و متناسب گردد.

پس از روسیه شوروی کشورهای متحد امریکا و فرانسه در طریق برنامه اقتصادی قدم برداشته اند که با برنامه مالی هم آهنگی پیدا میکنند و بدین طریق متدرجا توسعه بودجه مالی را در زمان تحقق پذیر کرده اند. کشورهای دیگر از قبیل بلژیک و انگلستان متوجه این نکته گردیده اند که بودجه مالی باید کیفیت و خاصیت آنرا پیدا کند که یک نوع وسیله کلی و عمومی برای توزیع درآمد ملی گردد.



فصل چهارم

خدمات يك نقشه و برنامه اقتصادی و مالی در بزرگ

هزینه های جاری دولت (۱) (یا هزینه های بهره برداری دولت) را از هزینه های استثنائی یا دوره بدوره که آنرا هزینه های سرمایه ای خوانند بالفعل از یکدیگر بطور روشنی نمیتوان جدا و تفکیک کرد چنانکه در کشور فرانسه بخصوص هنوز بین بودجه عادی و بودجه زمان بحران یا بودجه فوق العاده نتوانسته اند وجه تشخیصی قائل شوند در سال ۱۹۴۷ که در کشور مزبور انتظار اصلاحات مالی میرفت چنان درهم ریختگی در اوضاع پدید آمده بود که درآمدهای حاصل از مالیات تعاونی را که يك نوع مالیات

۱- این نوع هزینه ها در اصطلاح مالی فرانسه *Dépenses d'exploitation de l'Etat* گویند که ترجمه تحت لفظی آن هزینه های بهره برداری دولت میشود لیکن مسلم نیست که این ترجمه مفهوم صحیحی در فارسی بدست دهد توضیح آنکه در اینجا منظور هزینه های جاری دولت است که در حال عادی باید چرخهای دستگاه را بگرداند؛ این نوع هزینه ها را نمیتوان هزینه های غیر تولیدی نامید زیرا هزینه های عادی دولت منحصرأً مخارج غیر تولیدی نیست و همه نوع مصرف و هزینه در يك بودجه معمولی مشاهده میگردد. تعریف و توضیح در باب هزینه های نوع دوم مطلب را بیشتر روشن میسازد ازینقرار که در مقابل هزینه های پیش گفته هزینه های دیگری وجود دارد که بمنظور تولید و تکثیر ثروت و موضوع برنامه های چند ساله است؛ این نوع هزینه ها غیر از هزینه های عادی و جاری و عنوان استثنائی دارد و آنها را هزینه های سرمایه ای *dépenses de Capital* خوانند و ظاهراً بنظر میآید که باید آنها را هزینه های تولیدی نامید لیکن حقیقت امر اینست که هزینه های مزبور شامل کلیه امور مربوط باحیای اقتصادی میباشد که همیشه صورت تولیدی را ندارد و منظور از آن نگاهداری و توسعه دارائی ملی است؛ مثلاً هزینه ای که برای ایجاد کارخانه یا استخراج معدن میشود نتیجه تولیدی دارد لیکن بسیاری کارهای دیگر نیز هست که ظاهراً نمیتوان آنها را امور تولیدی محسوب داشت مانند اسکله و بندر سازی، راهسازی، کشیدن خط آهن، ساختن فرودگاه و غیره و غیره که موجب توسعه و ازدیاد دارائی عمومی و ملی بوده و بطور غیر مستقیم در پیشرفت و بلکة ایجاد کارهای تولیدی نیز تأثیر عظیم دارد. بنابراین حق اینست که این نوع دوم را هزینه های سرمایه ای بنامیم که در آغاز کار سرمایه هائی را بصورت پول و وجه نقد بمصرف رسانده تبدیل بسرمایه هائی بشکل دیگر مینمایند که عنوان دارائی ملی را دارد.

بر سرمایه است بمصرف پوشش هزینه‌های جاری می‌رسانند و بدیهی است که بالطبع اثری از چنین هزینه‌ها بر جا نمی‌ماند.

در بلژیک بخوبی متوجه این مطلب شدند که در عملیات مالی بعضی امور گذرنده و برخی دیگر دوام و ثبات دارد و بر اساس این فکر ابتدا از طریق نظری و سپس در عمل یک قسم سیستم مالی تتبع کردند که دو نوع هزینه را از یکدیگر مشخص می‌سازد یکی هزینه‌های عادی که از راه برداشتهای عادی از درآمد (مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم) صورت می‌گیرد دیگر هزینه‌های سرمایه‌ای که اثر آنها دارای دوام و منظور از آن نگاهداری و توسعه دارائی ملی است. این نوع هزینه‌ها بوسیله مالیات بر سرمایه یا بوسیله وام که بیشتر جنبه استمرار دارد صورت می‌گیرد و منبع وام هم پس اندازها است که عبارت از درآمد در حال تبدیل بر سرمایه می‌باشد.

طرح اصلاحی راجع به بودجه بلژیک ترازنامه‌ای برای دولت پیش‌بینی می‌نماید که بطور تقریب و اجمال بقرار ذیل است :

دارائی

- ۱- خالصه دولت - بنگاههای عمومی - اموال اداری .
- ۲- اموال منقول - مواد و مصالح - تدارکات .
- ۳- برگهای بهادار - مطالبات و وجوه مخصوص .
- ۴- دارائیهای خزانهداری .
- ۵- مانده بدهکار صندوق تنظیم بودجه .
- ۶- بروات (بحواله کرد دولت) .
- ۷- بدهی ویژه .

بدهی

- ۱- وام خارجی (۱) و وام داخلی (با مدت متوسط و وام مواج (۲)) .
- ۲- بستانکاران .
- ۳- مانده بستانکار صندوق تنظیم بودجه .
- ۴- بروات (برعهده دولت) .

1 - Consolidée.

2 - flottante.

۵- دارائی ویژه.

تا قبل از جنگ اخیر کشور بلژیک از دارائی و بدهی خود بطور دور و بدور با طریقه‌هایی کم و بیش دقیق صورت برداری کرده است .

هر گاه ترازنامه دولت را بر اساس محاسبات عمومی تنظیم میگردند دو نتیجه عمده از آن حاصل میگشت: یکی اینکه بودجه فوق العاده تبدیل بیک بودجه سرمایه گذاری میگردد و دیگر مفهوم استهلاك اقتصادی در محاسبات عمومی وارد میشود.

چنین تغییر اساسی در محاسبات عمومی بدون اصطکاک ایجاد نمیگردد. بودجه عادی حاوی درآمدها و هزینه‌های مواد و مصالح میباشد و باید آنها را بحساب سرمایه انتقال داد. اشکال عمده که در آن صورت پیدا میشود آنستکه بودجه عادی که بوسیله ترتیب دوره عمل بودجه بیشتر از دوره یکسال امتداد مییابد با زمان تطبیق نمیکند در حالی که برای تنظیم ترازنامه دولت لازم میآید که دوره سالانه کاملاً در نظر گرفته شده و مراعات شود. در هر صورت ترتیب ترازنامه موجب تغییر موضوع استهلاك از نظر فنی میگردد .

در طریقه عمل فعلی استهلاك عمومی اصولاً و منحصرأ دارائی جنبه مالی میباشد که ارتباطی با ارزش اقتصادی دارائیهای دولت ندارد. بنابراین کیفیت وام عمومی مستقل از منال دولت تحول خود را طی مینماید و در اقلام دارائی دولت چیزی وجود ندارد که با آن مقابله کند .

برای آنکه سرمایه مادی و دارائی ملی چنانکه شاید و باید استهلاك یابد قاعده آنستکه هر ساله بمقادیر متناسب و لازم از روی درآمدهای بودجه برداشت بعمل آید . مبالغی که برای استهلاك تخصیص داده میشود یا به صرف پرداخت قسمتی از دیون عمومی میرسد و یا برای تحصیل اموال جدید بکار میرود .

بنابر آنچه گفته شد لازم میآید محلی بمنظور تجدید سرمایه (۱) و مؤسسه‌ای برای اداره آن با استقلال کافی ایجاد گردد تا در مقابل تمایل وزیران دارائی که همواره در صدد تحصیل وجوه هستند پایداری نماید . اهمیت استهلاك دارائیهای دولت با دقت و صحت بخصوص در اوقات احیای اقتصادی و رونق کارهای بزرگ عام المنفعه بخوبی معلوم میشود ازینقرار که در آن اوان بر منال دولت اموالی افزوده میشود که کم و بیش بسرعت فرسوده

شده و تنزل ارزش حاصل مینماید (۱) و این برخلاف احوالی است که معمولاً در اموال عمومی (باستثنای ساختمانها) مشاهده میشود زیرا اموال مزبور اصولاً ارزش خود را حفظ میکنند (۲).

شرط آنکه استهلاک اقتصادی و مالی با هم تطبیق کرده و تحقق پذیر گردد آنستکه دولت از هزینه‌های غیر تولیدی بوسیله تحصیل وام خودداری کند و بخصوص برای جبران کسر بودجه از این طریق وارد عمل نشود. همچنین برای آنکه اصلاح مزبور را بتوانند بموقع اجراء گذارند لازم میآید که دولت در صدد پرداخت وام خود بر آید و از سبک کردن دین خویش بوسیله تنزل پول که نتیجه تورم و طریقتهای مقرون بنادرستی است اجتناب ورزد. با امعان نظر در آنچه در پیش گذشت طرح اصلاح مالی بلژیک شایسته آنستکه بخوبی مورد توجه واقع گردیده و بطور برجسته‌ای نمودار و در نظر گرفته شود. چه بوسیله ترازنامه دولت یک عامل دائمی در مالیه وارد میشود. تراز نامه مزبور نتیجه و لازمه برنامه‌های اقتصادی دراز مدت بنظر میآید که در اوقات احیای اقتصادی و انجام کارهای عمومی بزرگ از حدود سالانه بودجه بهره‌برداری دولت بطور فوق العاده‌ای تجاوز مینماید.



۱ - مانند خط آهن و جاده و پل و امثال آن که در نتیجه عبور و مرور و سائل نقلیه گوناگون بزودی فرسوده و خراب میشود در حالی که جزء ثروت و دارائی عمومی بوده و سرمایه ملی محسوب میگردد.

۲ - مانند باغها یا پارکهای عمومی که لازمه استفاده از آنها حفاظت و نگاهداری صحیح میباشد و از این رو تنزل ارزش پیدا نمیکند. همچنین است جنگلهای و خالصجات دولت بشرط نگاهداری از روی اصول.

فصل پنجم

سازمان برنامه ایران

برنامه هفت ساله ایران که اکنون دوره هفت ساله دوم خود را طی میکنند دارای جنبه‌های اقتصادی، مالی، اداری، سیاسی و اجتماعی میباشد و پس از دولت مهمترین مؤسسه و سازمانی است که تا کنون در مملکت ایجاد گردیده و وجود پیدا کرده است؛ بودجه آن از درآمد ایران از نفت تأمین میشود که پس از کسر مقداری برای شرکت ملی نفت و کمک بودجه کشور مابقی اختصاص باعتبارات و تعهدات سازمان برنامه دارد.

سازمان برنامه وظیفه خطیر و دشوار و مفصل عمران و آبادی کشور را بر عهده دارد و دامنه عملیات آن بسیار وسیع و شامل کارهای تولیدی از قبیل اصلاح امور کشاورزی، دامپروری، دفع آفات نباتی و حیوانی، استخراج معادن، تأسیس کارخانجات صنعتی و کارهای عمرانی از قبیل راهسازی، بندر سازی، توسعه و تکمیل ارتباطات و مخابرات، ایجاد کارخانه‌ها و شبکه‌های برق، امور شهر سازی همچنین امور مربوط به بهداشت و فرهنگ و بسیاری موضوعهای دیگر میگردد.

در دوره برنامه هفت ساله اول دو موضوع قابل توجه است: اول پیش آمد قضیه نفت و ملی شدن آن و متوقف گردیدن بهره برداری از معادن نفت و چون بودجه سازمان از عایدات نفت تأمین میشد طبعاً کارهای عمران و آبادی کشور که بیشتر عبارت از مطالعات و تهیه طرحها و نقشه‌ها بود متوقف گردید. دوم يك نوع بی ترتیبی و اغتشاش و هرج و مرج در کارها که در نتیجه تغییر دائمی سیاست اداری سازمان و نیز تغییر و تبدیل متصدیان آن حاصل میشد و موجب آن بود که عملاً از کارهای سازمان نتیجه و حاصلی بدست نیاید.

مطلب قابل توجه دیگر اینکه چون از قرار معلوم میخواستند نقشه و برنامه اساسی برای کار عمران و آبادی کشور داشته باشند و ظاهر حصول این منظور جز در صورت مطالعات کامل و تهیه طرحهای تفصیلی و تکمیل شده ممکن نمیگردید اینست که دوره برنامه هفت ساله اول قسمت عمده صرف مطالعات و تهیه نقشه‌ها و طرحهای عمران و آبادی گردیده است. در مقدمه فصل مربوط به «سیستم برنامه» نظر خود را مبنی بر اینکه هنوز زود است

در باره کارهای سازمان برنامه در ایران گفتگو و اظهار نظر شود بیان کرده و یادآور شدیم که از طرفی مرحله مطالعه و تهیه طرحهای کامل پایان نرسیده و از سوی دیگر اقدامات و کارهایی که عملاً در اجرای طرحها و نقشه های مزبور آغاز گردیده بطور کلی در مرحله شروع میباشد و هنوز بجائی نرسیده که بتوان اظهار عقیده قطعی نسبت بدانها نمود. علاوه بر اینها مسائل و امور جاری روز تحت تأثیر عوامل گوناگون و نظرهای مختلف اقتصادی و سیاسی بوده و ناچار باید مدتی بر آن بگذرد تا خارج از تأثیر عوامل یاد شده بتوان راجع بدانها اظهار نظر نمود.

با وجود تمام مراتب پیش گفته اهمیت سازمان برنامه و کارهای مربوط بدان در ایران بخصوص از نظر دانشجویان فنی ما که در آینده باید کارهای گوناگون آنرا در دست گرفته و طرحها و نقشه های تهیه شده را عملی ساخته و با تمام رسانند بیشتر از آنستکه بتوان موضوع را بکلی مسکوت گذارد، هر چند که مشکلات و موانع برای درج مسائل در حال فعلی زیاد باشد. بنابراین ما بهتر دانستیم ولو باختصار و اجمال هم باشد اشاره ای به موضوع بنماییم.

برنامه هفت ساله اول

نخستین قانون برنامه در بیست و ششم بهمن ماه ۱۳۲۷ در مجلس شورای ملی تصویب شده و در سوم اسفند همان سال بنوشیح ملو کانه رسیده است. این قانون دولت را مکلف ساخته که گزارش شماره ۱ مورخ ۴/۶/۱۳۲۷ کمیسیون برنامه محتوی ۱۵ ماده و یک تبصره را بموقع اجراء گذارده و برنامه عملی هفت ساله را در ظرف سه ماه بتصویب کمیسیون برنامه رساند. بنابراین اولین قانون برنامه همان محتویات گزارش کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی است که در ذیل بعضی از مواد آنرا شرح میدهیم:

در ماده ۱ گزارش مزبور منظور و هدف برنامه هفت ساله معین گردیده از اینقرار:

« ماده ۱ - بمنظور افزایش تولید و تکثیر صادرات و تهیه مایحتاج مردم در داخله کشور و اصلاح و ترقی کشاورزی و صنایع و اکتشاف و بهره برداری معادن و ثروت های زیر زمینی مخصوصاً نفت و اصلاح و تکمیل وسائط ارتباط و اصلاح امور بهداشت عمومی و انجام هر نوع عملیاتی برای عمران کشور و بالا بردن سطح معلومات و زندگی افراد و بهبود وضع معیشت عمومی و تنزل دادن هزینه زندگی، دولت مکلف است در ظرف مدت هفت سال از تاریخ تصویب این قانون عملیاتی را که مجموع آنها برنامه هفت ساله عمرانی

کشور نامیده میشود بانجام رساند. »

در ماده ۲ وجوهی که برای انجام برنامه اختصاص داده شده بر حسب فصول ششگانه که هر يك دارای اقلام گوناگون میباشد تعیین مینماید بدین طریق: (۱)

فصل اول کشاورزی	۵۲۵۰	میلیون ریال
فصل دوم - راههای شوسه و راه آهن و بنادر و فرودگاهها	۵۰۰۰	» »
فصل سوم - صنایع و معادن	۳۰۰۰	» »
فصل چهارم - نفت	۱۰۰۰	» »
فصل پنجم - پست و تلگراف و تلفن	۷۵۰	» »
فصل ششم - اصلاحات اجتماعی و شهری	۶۰۰۰	» »

جمع فصول ششگانه ۲۱۰۰۰ » »

« وجوهی که در این ماده بفصول مختلف تخصیص داده شده صرفاً به مصرف همان عملیات خواهد رسید؛ هر گاه رقم اعتباری که برای فصلی پیش بینی شده کفاف احتیاجات را ندهد و یا علاوه بر احتیاجات باشد دولت میتواند بنا بر پیشنهاد سازمان برنامه تا میزان ده درصد آنها را افزایش یا تقلیل دهد دولت مکلف است در مدت چهار ماه از تاریخ تصویب این قانون برنامه عمل هفت ساله را در حدود مبالغ اعتباری که در هر سال و برای هر رشته طبق این قانون منظور شده بوسیله سازمان برنامه تهیه و بتصویب کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی برساند.»

تبصره ماده ۲ مذکور قابل توجه است باین معنی که دولت را مکلف ساخته در ضمن برنامه تفصیلی تدابیری برای تبدیل زراعت تریاک بزراعتهای مفید و منع کشت و مصرف تریاک اتخاذ کند و نیز برای ساختن مهمانخانه و جلب سیاحان خارجی و تأمین آسایش آنها در مدت توقف در ایران نقشه مفیدی طرح و اجرا کند.

ماده ۴ چنین میگوید:

« ماده ۴ - وجوه مذکور در ماده ۲ با رعایت استعداد و احتیاجات هر محل بطور متناسب فیما بین شهرستانهای مختلف کشور تقسیم خواهد شد بنحویکه حصه مجموع شهرستانهای هر يك از استانها در ظرف هفت سال از یک هزار میلیون ریال کمتر نباشد»

۱- از روی « مقررات و قوانین سازمان برنامه » که در چاپخانه سازمان برنامه

بطببع رسیده است.

دقت در متن این ماده معلوم می‌دارد که سهم یک استان در هفت سال به میزان یک هزار میلیون ریال در هر سال قدری بیشتر از ۱۴۰ میلیون ریال می‌شود و این مبلغ باید بین شهرهای آن استان تقسیم شود. بدیهی است وقتی سهم هر شهر از طرفی و مواد فصول ششگانه را از سوی دیگر ملاحظه نمایم میزان وجوه تخصیص یافته برای انجام نیازمندیهای هر شهرستان بقدری ناچیز می‌گردد که کار مؤثری با آن نمیتوان انجام داد و این موضوع شاید نمایان‌ترین و بزرگترین عیب و نقص برنامه هفت ساله اول از نظر مالی و در نتیجه از نظر فنی بوده باشد.

در ماده ۵ محل وجوه و اعتبارات برنامه هفت ساله را معین میکند و درآمدهای دولت را از محل پرداختهای شرکت سهامی نفت ایران و انگلیس بدان اختصاص میدهد. باین طریق که در سال ۱۳۲۷ ششصد میلیون ریال و در سالهای بعد تا انتهای دوره هفت ساله کلیه درآمدهای مزبور را تخصیص به برنامه میدهد. چنانکه میدانیم بواسطه تغییر اوضاع و ملی شدن نفت و جانشین شدن کنسرسیوم بجای شرکت سابق نفت ادامه ترتیب مزبور ممکن نگردد چنانکه بعد اینمطلب را خواهیم دید.

برای تکمیل اعتبار و وجوهی که برای انجام برنامه ضرورت دارد ماده ۶ سهم محل دیگر را در نظر گرفته است: اول گرفتن وام از بانک ملی ایران تا میزان چهار هزار و پانصد میلیون ریال در مدت هفت سال با بهره صدی دو. دوم تحصیل وام از بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم برای انجام عملیات مولد در آمد به میزان دو بیست و پنجاه میلیون دلار حداکثر با قسط و شرایطی که مورد موافقت طرفین باشد. سوم تحصیل اعتبار از مؤسسات داخلی غیر دولتی یا مؤسسات تجاری خارجی.

برای نظارت و مراقبت در اجرای برنامه قانون سازمان مخصوصی ایجاد میکند بنام سازمان برنامه (طبق ماده ۸) وظایف این سازمان در دو قسمت بیان شده. اول تهیه نقشه‌ها و طرحها و بودجه‌های تفصیلی و آئین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی طبق برنامه عملی که قبلاً بتصویب کمیسیون برنامه مجلس رسیده باشد و نظارت در اجرای عملیاتی که جزء برنامه قرار داده شده از لحاظ فنی و مالی و مراقبت در هماهنگی و همکاری بین دستگاههای اجراء کننده. دوم مرکزیت دادن و جوهیکه برنامه تخصیص داده شده و پرداخت هزینه‌هایی که از محل بودجه برنامه انجام می‌گیرد و تنظیم تر از نامه هر سال.

در ذیل ماده ۸ مذکور است که عملیات اجرایی برنامه تا آنجا که مربوط بدولت است با رعایت وظائف سازمان برنامه بوسیله وزارتخانه‌ها یا ادارات یا بنگاهها یا شرکتهای دولتی انجام خواهد گرفت .

طبق ماده ۹ سازمان برنامه مرکب خواهد بود از یک شورای عالی، یک هیئت نظارت و یک مدیر عامل . شورای عالی مرکب از هفت نفر عضو خواهد بود که برای مدت برنامه بر حسب پیشنهاد دولت بموجب فرمان همایونی منصوب میشوند . شوری عهده‌دار تصویب نقشه‌ها و طرحها و بودجه‌ها در حدود برنامه عملی که بتصویب کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی رسیده باشد و نیز عهده‌دار تدوین آیین‌نامه‌ها و تصویب قراردادها و بطور کلی مأمور مراقبت در انجام کلیه وظایفی است که بعهدۀ سازمان برنامه قرار داده شده است . هیئت نظارت مرکب از شش نفر عضو خواهد بود که مجلس شورای ملی از میان فهرست هیجده نفری که از طرف دولت بمجلس پیشنهاد شده بطریق دیگری که قانون برای انتخاب مستشاران دیوان محاسبات مقرر داشته برای مدت دو سال انتخاب خواهند نمود . هیئت نظارت حق رابطه مستقیم با هیئت دولت دارد و مکلف است در اموریکه از طرف هیئت دولت بآن مواجهه میشود رسیدگی نموده و نتیجه تحقیقات خود رامستقیماً گزارش دهد .

مدیر عامل بر حسب پیشنهاد دولت بموجب فرمان همایونی برای سه سال منصوب میشود و پس از ختم دوره مأموریت ممکن است مجدداً بهمان سمت تعیین شود . ماده ۱۱ حاکی است که وزارتخانه‌ها و ادارات و بنگاههای دولتی مکلفند وظایفی را که در اجرای برنامه بعهدۀ آنها قرار داده شده مطابق شرایط و دستور العمل‌هایی که از طرف سازمان برنامه تهیه شده اجرا نمایند؛ در صورت تأخیر و تخلف از شرایط یا مسامحه در کار سازمان برنامه مراتب را به هیئت دولت گزارش خواهد داد و هیئت دولت مکلف است در مدت ۱۵ روز از تاریخ دریافت گزارش سازمان برنامه اقدامات مقتضی بعمل آورد بنحویکه موضوع ایراد و شکایت مرتفع شود .

بموجب ماده ۱۲ سازمان برنامه در پایان هر سه ماه باید گزارش کامل عملیات سه ماهه و در آخر هر سال ترازنامه عمل یکساله را از حیث درآمد و هزینه و افزایشی که در نتیجه اجرای برنامه در امر تولید و درآمد ملی حاصل شده تنظیم نماید .

هیئت نظارت این ترازنامه را مورد رسیدگی قرار داده و در صورتیکه ایرادی بآن

وارد ندید برای تصویب تسلیم هیئت دولت خواهد نمود تصویب هیئت دولت بمنزله مفاسدای دوره عمل تلقی خواهد شد .

راجع با استخدام کارشناسان خارجی در قسمت آخر ماده ۱۳ چنین میگوید:

سازمان برنامه میتواند کارشناسان خارجی را برای مدتی که بیش از یکسال از انقضای دوره اجرای برنامه تجاوز نکند استخدام نماید. استخدام این کارشناسان با تصویب هیئت دولت و در حدود تعداد و فهرست مشاغلی خواهد بود که قبلاً بتویب کمیسیون برنامه مجلس رسیده است (۱) .

در پیش گفتیم قضیه ملی شدن نفت جریان کارهای برنامه هفت ساله اول را متوقف نمود . پس از تغییر حکومت نیز بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ حال بی تکلیفی نسبت بدین موضوع ادامه یافت تا پس از عقد قرارداد و ترتیب جدید با کنسرسیوم بفکر ترتیب کار سازمان برنامه افتاده خواستند از یکطرف تکلیف باقیمانده اعتبارات سابق روشن گردد و از طرفی دیگر ترتیب خرج اعتبارات اضافی که بسازمان برنامه اختصاص داده شده معین شود بنابراین کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی در تاریخ ۲۳ بهمن ۳۲ تصمیم قانونی راجع به موضوعهای یادشده تحت مواد ذیل اتخاذ نمود از اینقرار:

ماده ۱ - بسازمان برنامه اجازه داده میشود مجموع اعتبارات اضافی حاصله از مقررات دکترمصدق بشماره های ۱۱۰۸۲-۳۱۶۲ و ۱۳۸۷۴-۳۱۸۲۸ که کلاً بالغ بر ۵۳۴۹ میلیون ریال میشود. بشرح فصولی که ذیلاً مندرج است بمصرف برساند:

فصل اول - کشاورزی	۲۰۹۰	میلیون ریال
فصل دوم - راههای شوسه و راه آهن و بنادر و فرودگاهها	۱۹۷۱	»
فصل سوم - صنایع و معادن	۱۲۸۸	»

۱ - اکنون سازمان برنامه مشغول اجرای قانون برنامه هفت ساله دوم است چنانکه در جای خود ملاحظه خواهد شد لیکن بنظر ما آشنائی بامور سازمان وقتی حاصل میشود که مجملات از سوابق آن نیز اطلاع در دست باشد و بهمین جهت بهتر دانستیم مواد عمده قانون برنامه هفت ساله اول را قبلاً ذکر کنیم .

ماده ۲ - مانده اعتبارات ماده ۲ گزارش شماره ۱ مورخ ۴ شهریور ماه ۱۳۲۷ کمیسیون برنامه هفت ساله مصوب ۲۶ بهمن ماه ۱۳۲۷ با در نظر گرفتن اعتبارات اضافی فوق طبق برنامه های عمای که بتصویب کمیسیون برنامه مجلس خواهد رسید در مدتی که در آن برنامه ها تعیین میشود از طرف سازمان برنامه قابل استفاده و مصرف خواهد بود. تبصره ۱ - سازمان برنامه مکلف است عواید حاصله خود را در حد امکان با توجه بتعهدات جاری متناسب فصولی که بتصویب میرسد مصرف نماید.

تبصره ۲ - سازمان برنامه مکلف است در وجوهی که بعنوان مشارکت و یا کمک بمؤسسات غیردولتی داده نظارت دقیق در تشکیلات و مصرف نموده و من بعد هم جز با تصویب کمیسیون برنامه نسبت بمشارکت در مؤسسات خصوصی اقدامی ننماید.

تبصره ۳ - سازمان برنامه گزارش هر سه ماه عملیات خود را برای استحضار کمیسیون برنامه مجلس شورای ملی ارسال خواهد داشت.

چنانکه عموم اطلاع دارنده های لوایح بنام لوایح قانونی دکتر مصدق وجود داشت که برای تعیین تکلیف لوایح مزبور در زمان حکومت بعد بمجلس ارجاع گردید. در جزء این لوایح دو لایحه قانونی مربوط باعطای اعتبارات اضافی بسازمان برنامه وجود داشت که آنها را بکمیسیون برنامه مجلس فرستادند. کمیسیون نامبرده از سازمان برنامه صورت اعتبارات وصولی و هزینه های انجام شده و تعهدات و باقیمانده اعتبارات و بطور کلی صورت حسابهای گذشته را خواست. از طرف سازمان برنامه های جدیدی روی فصول گذشته باتکای اعتبارات اضافی مذکور و بنام برنامه های فوری تهیه و برای تصویب کمیسیون برنامه فرستادند این جریان موجب اتخاذ تصمیمهای قانونی پیش گفته گردید و اضافه اعتبار اعطائی بسازمان مورد موافقت قرار گرفت و چنانکه در پیش گذشت طبق ماده ۱ تصمیمهای قانون کمیسیون بین فصول کشاورزی راههای شوسه راه آهن و بنادر و فرودگاهها و صنایع و معادن تقسیم گردید بشرح جدول ذیل:

صورت وضع اعتبارات قانونی برنامه بمیلیون ریال (۱)